

سه راهکار برای دستیابی به یک توافق جامع هسته ای
اما مهم تر از این دو قطعیتی است که هم ایران و هم اعضا 1+5 به آن معترف هستند: اینکه گام بعد
دشواری تر است و هیچ تضمینی بر موفقیت آن وجود ندارد. برای عبور از موانع پیش رو و انجام برنامه
ریزی لازم برای در نظر گرفتن احتمال شکست لازم است به نکات زیر توجه شود:

شکی نیست که شکستن بن بست مذاکرات هسته ای پس از یک دهه گامی بزرگ محسوب می شود.
همچنین شکی نیست که هر سازش دیپلماتیک مخالفان و منتقدانی دارد، چرا که چنین توافقی ماهیتا تمام
خواسته های طرفین را محقق نمی کند.

اما مهم تر از این دو قطعیتی است که هم ایران و هم اعضا 1+5 به آن معترف هستند: اینکه گام بعد
دشواری تر است و هیچ تضمینی بر موفقیت آن وجود ندارد. برای عبور از موانع پیش رو و انجام برنامه
ریزی لازم برای در نظر گرفتن احتمال شکست لازم است به نکات زیر توجه شود:

1. سرعت در عین دقت: با وجود آنکه در توافقنامه ژنو امکان یکبار تمدید فرصت شش ماهه برای
مذاکره در مورد توافق نهایی در نظر گرفته شده، باید نهایت تلاش صورت بگیرد که گفتگو ها در کمترین
زمان به نتیجه برسند.

اهمیت این موضوع به این جهت است که بزرگترین سرمایه مذاکرات، یعنی فضا و انرژی مثبتی که با
ایجاد شده، با گذر زمان به تدریج تحلیل خواهد رفت.
بی تردید هر چه کشورهای منطقه، مثل اسرائیل و عربستان که نفع خود را در ادامه این بحران می بینند،
فرصت بیشتری داشته باشند امکان بیشتری هم برای سنگ اندازی در راه گفتگو ها خواهند داشت.

از سوی دیگر و با در نظر گرفتن دشمنی نهادینه شده بین ایران و آمریکا، هر چه زمان بیشتری بگذرد
امکان سوءتفاهم و اظهارنظرهای تند و اقدامات نابجا بیشتر خواهد شد. تقریبا از حالا می توان گفت که
کنگره آمریکا بعد از 20 ژوئیه 2014 (پایان دوره شش ماهه)، حتی اگر گفتگو ها پیشرفت مناسبی
داشته باشند، تحریم های جدیدی را وضع خواهد کرد که تاثیر بسیار منفی بر روند دیپلماسی خواهد
گذاشت.

گر چه گام میانی ممکن است اندکی زمان خریداری کند، اما چنین اقدامی، نگرانی تبدیل قرارداد
نخستین (توافق ژنو) به یک سری قراردادهای موقت و بی انتها را تشدید خواهد کرد. در عین حال و با

توجه به پیچیدگی های فنی مذاکرات لازم است از تکرار تجربه گفتگوهای دشوار گام نخست درس های لازم را آموخت و همزمان با گفتگو در مورد کلیات مسائل به جزییات اجرایی آنها هم پرداخت.

این امر نیاز به سرمایه گذاری هنگفت دستگاه سیاست خارجی ایران دارد که در کمینه زمان بیشینه نتیجه را بدست آورد.

2. تفسیر تدبیر: در دور قبلی مذاکرات هسته ای، تیم مذاکره کننده ایران تا نهایه کردن توافق گام نخست چندان نیازی به توضیح هدفگذاری و برنامه ریزی هایش نداشت چرا که مذاکرات کوتاه و فشرده بودند و علی رغم مخالفت ها با مخفی نگه داشتن محتوای آنها به سرعت به نتیجه رسیدند.

این بار اما نمی توان به مدت شش ماه یا یک سال موافقان و مخالفان را در تاریکی نگاه داشت. ولی ابراز نظرهای عمومی دارای ریسک قابل توجهی هستند چون منجر به سخت شدن مواضع می شوند و بهانه به دست منتقدین می دهند که در آینده "هر مصالحه ای کمتر از حد انتظار" را سازشکارانه بخوانند.

کشیدن خط قرمز اصولاً کاری است پر ریسک و در بیشتر موارد عبث. بهترین راهکار در این زمینه توضیح واقعیهانه هدف ها است. به عنوان مثال اگر مسئولان توضیح دهند که نیاز واقعی فعلی ایران به غنی سازی چقدر است، با توجه به اینکه این موضعی علمی و عملی است، هم به طرف مقابل درک بهتری از مواضعشان می دهند و هم عموم را توجیه خواهند کرد.

برای این کار لازم است مواضع کاملاً منطقی باشند. به عنوان مثال این گفته که ایران باید از اکنون برای نیروگاه هایی که وجود ندارند سوخت تولید کند به مثابه گذاشتن اسب جلوی درشکه است. ولی این توضیح که لازم است برای سوخت بوشهر ذخیره ای اضطراری تولید شود، قابل قبول تر و قابل دفاع تر خواهد بود.

این مواضع منطقی در صورت شکست مذاکرات تضمین کننده پیروزی ایران خواهند بود، چرا که اگر با زبانی قابل فهم و به روشنی برای جامعه جهانی بیان شوند، طرف مقابل به زیاده خواهی متهم خواهد شد، امکان حمله نظامی به ایران رنگ خواهد باخت و تحریم ها بی روح خواهند شد. در صورت موفقیت مذاکرات هم این مواضع دفاع از عملکرد تیم مذاکره کننده را ساده تر خواهد کرد.

نکته مهم دیگر مدیریت توقعات است. دستیابی به یک توافق به معنای رفع یک شبه همه تحریم ها و مشکلات اقتصادی نخواهد بود. لازم است این موضوع به کرات برای مردم بیان شود تا از دلسرد شدن آنها جلوگیری شود.

برای نیل به این اهداف لازم است تیم هسته ای ایران یک گروه متخصص رسانه ای و دیپلماسی عمومی داشته باشد که به جای واکنشی عمل کردن، افکار عمومی را در جهت صحیح سوق دهند.

3. تمرکز همراه با تنوع؛ با وجود آنکه مشکل اصلی بین ایران و غرب برنامه هسته ای است، اما ریشه مشکلات در جای دیگری است. نیاز است به موازات مذاکرات هسته ای در این موارد هم تعامل سازنده صورت بگیرد.

این امر به معنای تغییر ماهوی و یا تسلیم در برابر غرب نیست. بلکه پرداختن به جنبه های دیگر رابطه برای حل پرونده هسته ای لازم است. به عنوان مثال یکی از اصلی ترین تحریم هایی که ایران خواستار لغو آنها است تحریم های مربوط به سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز کشور هستند. این تحریم ها اصولاً مربوط به برنامه هسته ای نیستند و در سال 1996 به بهانه سیاست های منطقه ای ایران وضع شدند.

اگر چنانچه ایران در زمینه هایی که منافع اش دارای همپوشانی با منافع غرب است، مثل امنیت افغانستان و عراق و یا مبارزه با افراط گرایی در منطقه، با غرب همکاری کند، هم منافع اش تامین خواهد شد، هم اعتماد سازی خواهد کرد، و هم در به ثمر رسیدن مذاکرات هسته ای گام مهمی بر خواهد داشت.

چنین رویکردی در صورت شکست مذاکرات هسته ای هم مفید خواهد بود، چرا که بهانه لازم برای ترویج ایران هراسی را از دست طرف مقابل خواهد گرفت.

*تحلیلگر ارشد امور ایران در گروه بین المللی بحران که اخیراً در سفری به همراه این گروه به ایران با آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام دیدار داشت